



آموزش و پرورش رزمی!

مسئولیت‌پذیری، امانتداری، خودباوری، نوآوری، همدلی، نظم، نقادی و قانون‌گرایی اینها برخی از نکاتی است که براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدارس باید محلی برای گسترش آنها باشد، اما با این که بیش از شش سال از تصویب این سند در شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گذرد، هنوز مدارس ایران با آنچه مطلوب این سند است، فرسنگ‌ها فاصله دارد.

مسئولیت‌پذیری، امانتداری، خودباوری، نوآوری، همدلی، نظم، نقادی و قانون‌گرایی اینها برخی از نکاتی است که براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدارس باید محلی برای گسترش آنها باشد، اما با این که بیش از شش سال از تصویب این سند در شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گذرد، هنوز مدارس ایران با آنچه مطلوب این سند است، فرسنگ‌ها فاصله دارد.

یکی از نشانه‌های این فاصله هم بی‌توجهی اولیای مدرسه به نحوه برخورد صحیح با دانش‌آموزان و اعمال خشونت کلامی یا فیزیکی بر آنان است.

خشونت علیه دانش‌آموزان آموزش‌آموزان البته مساله جدیدی نیست و گاهی اخباری در این زمینه از مدارس گوشه و کنار کشور به گوش می‌رسد. در یکی دو ماه اخیر هم بارها خبرهایی مبنی بر ضرب و شتم دانش‌آموزان از سوی معلم، ناظم یا مدیر یک مدرسه از رسانه‌ها منتشر شد که با اظهارنظرهای مسئولان ارشد آموزش و پرورش همراه بود. البته گفته‌های این مسئولان معمولاً درباره لزوم برخورد با فرد خاطی است و آنها کمتر به نیاز جامعه برای یافتن ریشه‌های بروز خشونت از سوی قشر فرهنگی کشور توجه می‌کنند.

از سوی دیگر، گستردگی انتشار خبر رفتارهای خشونت‌آمیز با دانش‌آموزان در ماه‌های اخیر به حدی بود که وزیر آموزش و پرورش نیز وادار به واکنش شد. او در این زمینه در آخرین نشست خبری خود تاکید کرد، تنبیه بدنی و حتی لفظی خط قرمز آموزش و پرورش است.

محمد بطحایی در این نشست عنوان کرد، گزارش‌هایی که به او رسیده است، باعث شده کارگروهی را برای بررسی این موضوع در وزارتخانه تشکیل دهند. آن‌طور که او توضیح داد در وزارتخانه‌ای با بیش از یک میلیون پرسنل، نباید بر اساس چند مورد تنبیه، همه فرهنگیان را زیر سوال برد و تاکید کرد که البته نباید حتی یک نمونه نیز در نظام آموزشی وجود داشته باشد. بطحایی همچنین به تعرضاتی هم که از سوی دانش‌آموزان یا والدین به معلمان می‌شود، اشاره و تصریح کرد مسئولان نظام آموزشی در این باره نیز همان حساسیت را دارند.

فردای روزی که وزیر آموزش و پرورش این سخنان را بر زبان آورد، یک دانش‌آموز تهرانی معلم خود را با چاقو مجروح کرد تا او هم مانند بطحایی، اصحاب رسانه را متوجه این موضوع کند که خشونت در مدارس صرفاً توسط معلمان اتفاق نمی‌افتد و دانش‌آموزان نیز گاهی با برخوردهایی شدیدتر، آموزگاران خود را تنبیه می‌کنند.

خشونت در مدارس، چه از سوی معلمان اتفاق بیفتد و چه دانش‌آموزان، مذموم است و در تقابل با معیارهای یک نظام آموزشی مطلوب قرار دارد. همچنین باید توجه داشت مدرسه اولین نهادی است که بیشتر افراد زندگی اجتماعی را در آن تجربه می‌کنند و به همین دلیل، افزایش خشونت در مدارس در نهادینه شدنش در یک جامعه تأثیر بسزایی دارد. بنابراین باید هرچه سریع‌تر ریشه‌های بروز این خشونت‌ها را شناخت و در جهت رفع آنها اقدام کرد.

ورود پرخاشگران ممنوع

خشونت در مدارس، مانند دیگر خشونت‌هایی که در جامعه رخ می‌دهد، صرفاً به یک عامل مربوط نیست و همواره سلسله‌ای از عوامل و شرایط دست به دست هم می‌دهند تا رفتاری خشونت‌آمیز از یک معلم یا دانش‌آموز در محیط مدرسه بروز پیدا کند که باید از سوی روان‌شناسان، متخصصان علوم تربیتی و کارشناسان آموزشی مورد بررسی قرار گیرد.

اما پیش از بررسی این شرایط و عوامل، لازم است به این نکته توجه شود که معلمی، از مهم‌ترین مشاغل جامعه محسوب می‌شود و رشد علمی و فرهنگی یک کشور بدون حضور معلمان توانا در آن امکان‌پذیر نیست. توانایی یک معلم نیز علاوه بر جنبه‌های علمی، به مهارت‌های رفتاری و روانی او مربوط می‌شود و برای این که جامعه، آموزگاران توانا داشته باشد باید در مراحل گزینشی آنها همه این مسائل آزموده شود. این در حالی است که در نظام آموزشی ایران، با این که در گزینش معلمان، مراحل سختگیرانه‌ای شامل بررسی صلاحیت‌های علمی، عقیدتی و ظاهری آنها وجود دارد، اما هیچ نشانه‌ای از بررسی صلاحیت‌های رفتاری و روانی معلمان در این مراحل گزینشی، دیده نمی‌شود. به همین دلیل ممکن است آموزگاری که برای تعلیم و تربیت فرزندان این جامعه انتخاب می‌شود، از لحاظ روانی در وضعیت سالمی قرار نداشته باشد و خود گرفتار بیماری‌هایی مانند افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و حتی بیماری‌های جنسی باشد. این نکته‌ها برای است که زهرا ترابی، روان‌شناس کودک نیز بر آن تاکید دارد. او که مشاور روان‌شناس چند مدرسه ابتدایی بوده، در این باره به جام‌و جم می‌گوید: یکی از عواملی که سبب می‌شود برخی معلمان رفتار پرخاشگرانه‌ای از خود نشان دهند، بررسی نشدن معیارهای روانی آنها پیش از شروع به کارشان در مدارس است که برای حل این مشکل، باید بررسی‌های روان‌شناختی نیز به مراحل گزینش آموزگاران اضافه شود.

اما در کنار رفتار پرخاشگرانه برخی معلمان، خشونت‌های کلامی آنان نیز می‌تواند به روح و روان کودکان و نوجوانان آسیب وارد کند. مقصود از خشونت‌های کلامی، توهین‌های لفظی و تحقیر و تمسخر دانش‌آموزان از سوی برخی آموزگاران است که نوعی تهدید روانی برای دانش‌آموزان به شمار می‌آید.

خشونت‌های فیزیکی یا کلامی معلمان عقده‌هایی را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند که بعدها آشکار می‌شود. مثلاً اگر فردی که دائماً از سوی معلمان تحقیر شده، در جایگاهی مانند استادی دانشگاه، پزشکی یا هر شغل دیگری که کار مردم به او وابسته است قرار گیرد، احتمال دارد با مراجعان خود نیز همین رفتار را داشته باشد و به این ترتیب، زنجیره‌ای از عقده‌های درونی انسان‌ها از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود.

معلمان، روان‌شناس نیستند

شیوه گزینش نیروهای انسانی آموزش و پرورش، تنها دلیل بروز رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی برخی معلمان، ناظران و مدیران مدارس نیست. در کنار این مساله، عامل دیگری که در بروز این رفتارها نقش دارد، کمبود دوره‌های آموزشی مهارت‌های رفتاری و تربیتی برای کارکنان نظام آموزشی است.

این در حالی است که به گفته کارشناسان آموزشی، ادارات آموزش و پرورش مناطق مختلف، دائماً به برگزاری جلسات متعددی برای معلمان مشغولند، اما آنچه در این جلسات اهمیت دارد، صرفاً حضور آموزگاران است و نه کاربردی بودن مطالب ارائه شده. در صورتی که مسئولان آموزش و پرورش موظفند معلمان و مدیران مدارس را با حداقل‌هایی از مسائل روان‌شناختی کودکان آشنا کنند.

آن طور که ترابی، روان‌شناس کودک توضیح می‌دهد اگر در جامعه امروز معلمان نسبت به برخی اختلالاتی که در دوران کودکی بروز پیدا می‌کند، آگاهی نداشته باشند، حتماً در مواجهه با تعدادی از دانش‌آموزان خود به مشکل برمی‌خورند. او در این زمینه اختلال بیش‌فعالی را که امروزه در برخی کودکان رواج پیدا کرده است، مثال می‌زند و می‌گوید: روش‌های معمول آموزشی برای کودکی که دچار این اختلال است، نتیجه‌بخش نیست و یک کودک بیش‌فعال را باید با شیوه مخصوص به خود آموزش داد.

اختلال یادگیری نیز یکی دیگر از مسائلی است که معلمان باید نسبت به آن آگاهی داشته باشند، چراکه وارد کردن فشارهای درسی مضاعف بر دانش‌آموزان که دچار این اختلال هستند، هیچ اثر مثبتی در آموزش آنها ندارد و فقط سبب خستگی جسمی و روحی معلم و دانش‌آموز می‌شود. با این حال، ترابی معتقد است بیشتر معلمان این اختلال را نمی‌شناسند و وقتی با طی مسیرهای معمول آموزشی، نمی‌توانند اوضاع درسی دانش‌آموزی را که اختلال یادگیری دارد، بهبود بخشند به تنبیه و تهدید او روی می‌آورند. در صورتی که اگر این معلمان با اختلال یادگیری آشنا باشند، متوجه می‌شوند که باید از تنبیه دست بردارند و با روشی مناسب،

بنابراین باید دوره‌های آموزش مهارت‌های روان‌شناختی و مسائل روان‌شناختی کودکان برای اولیای مدارس برگزار شود، اما با این حال هرچقدر مهارت‌های تربیتی معلمان افزایش پیدا کند، بازهم آنها قادر نخواهند بود همه مشکلات درسی یا رفتاری دانش‌آموزان را به تنهایی برطرف کنند. برای این منظور، لازم است مسئولان نظام آموزشی تا جای ممکن، مشاور روان‌شناختی را نیز به کادر اجرایی مدارس کشور اضافه کنند. البته این کار مسلماً بار مالی سنگینی بر دوش آموزش و پرورش خواهد گذاشت، اما مدیران این وزارتخانه باید توجه داشته باشند که تامین هزینه‌های حضور مشاوران روان‌شناختی در مدارس سبب می‌شود از صرف هزینه‌های مادی و معنوی ناشی از اختلالات روانی و رفتارهای پرخطرانه معلمان و دانش‌آموزان جلوگیری و تلاش شود وضعیت روانی همه عناصر حاضر در نظام آموزشی به سطحی مطلوب برسد.

فقط زمزمه محبت

تغییر هنجارهای رفتاری معلمان در کنار حساسیت بیشتر خانواده‌ها و افزایش آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حقوق خود، سبب شده رفتارهای پرخطرانه آموزگاران در مقایسه با گذشته که همیشه در مدارس و مکتب‌خانه‌ها بساط چوب و فلک بر پا بود، بسیار کاهش یابد. اما گسترش ارتباطات و فضای مجازی موجب شده مصداق‌های بارز خشونت علیه دانش‌آموزان بیشتر در جامعه منعکس شود.

با این حال، وجود همین مصداق‌های پرخطر و خشونت‌های کلامی معلمان حاکی از این است که در نظام آموزشی ایران، بسیاری از معلمان یا به نحوی مطلوب در زمینه نحوه برخورد با دانش‌آموزان آموزش ندیده‌اند یا از ساختار روانی مناسبی برای اداره کلاس و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان برخوردار نیستند. همین موضوع سبب می‌شود برخی معلمان وقتی از رفتارهای درسی یا اخلاقی دانش‌آموزان خود عصبانی می‌شوند، به تنبیه بدنی یا تحقیر و تمسخر آنها دست بزنند. در صورتی که بر اساس نظر متخصصان علوم تربیتی، این تنبیهات هیچ اثر مثبت بلندمدتی در مسائل درسی و منش شخصیتی دانش‌آموزان ندارد و نمی‌تواند رفتاری شایسته، درونی و پایدار را در کودکان و نوجوانان ایجاد کند.

متخصصان علوم تربیتی در این زمینه تأکید می‌کنند همه اشکال تنبیه بدنی و تحقیر کلامی دانش‌آموزان مردود است و رفتارهای خشونت‌آمیز با آنها همواره نتیجه معکوس دارد. حسین احمدی که یکی از این متخصصان است، اعتقاد دارد آموزگاران باید استفاده از روش‌های تربیتی دیگر را بر روش‌های تنبیهی مقدم بدانند.

او در گفت‌وگو با جام‌وگو با جام‌وگو؛ جم‌تاکید می‌کند، اگر معلمان با دانش‌آموزی مواجه شدند که در مسائل درسی یا اخلاقی مشکل داشت، باید به جای در پیش گرفتن خشونت، صبوری پیشه کنند و با دلسوزی به دنبال ریشه‌یابی مشکل او باشند. معاون پیشین وزارت آموزش و پرورش می‌گوید، تنبیه بدنی یا تحقیر دانش‌آموز در مقابل هم‌کلاسی‌هایش، هم روی تربیت همه دانش‌آموزان آن کلاس تأثیر منفی می‌گذارد و هم شخصیت دانش‌آموز را تخریب می‌کند.

او توضیح می‌دهد: تخریب شخصیتی یک کودک یا نوجوان یعنی فراهم کردن زمینه رفتاری او در دامان آسیب‌های اجتماعی مختلف، بخصوص اگر این کودک یا نوجوان به دلیل رفتارهای خشونت‌آمیز معلمش، از مدرسه فراری شود و حتی برای مدتی اندک، ارتباط خود را با محیط آموزشی قطع کند.

به گفته احمدی، کودکانی که به دلیل رفتارهای خشن معلم، ناظم یا مدیر مدرسه خود ترک تحصیل کرده‌اند، بیشتر از سایر همسالان خود در معرض بزهکاری قرار دارند.

به این ترتیب، اگر معلمی با دانش‌آموزی مواجه شد نیز بهتر است تا می‌تواند با عطف در جهت اصلاح رفتار او تلاش و از اخراج آن دانش‌آموز پرهیز کند. چراکه بیشتر کارشناسان تأکید دارند وقتی کودک یا نوجوانی تحقیر شده وارد جامعه شود، به انواع آسیب‌های اجتماعی روی می‌آورد و به همین دلیل براساس نظر متخصصان علوم تربیتی، امن‌ترین مکان برای کودکان و نوجوانان از شش تا 18 سالگی مدرسه است و اگر در جامعه امروزی افراد بخواهند در این سنین وارد بازار کار شوند، عمدتاً وادار به انجام کارهای غیر قانونی می‌شوند.

چند سالی است که دیگر خشونت‌ها و کلامی در مدارس فقط از سوی معلمان، ناظران و مدیران اتفاق نمی‌افتد و امروزه گاهی دانش‌آموزان نیز در بروز این خشونت‌ها نقش دارند. در جامعه امروز، مصداق این خشونت‌ها مانند تمسخر، توهین و تهدید معلمان و دیگر اعضای کادر مدرسه توسط دانش‌آموزان به وفور دیده می‌شود و حتی گاهی اخباری به گوش می‌رسد که یک دانش‌آموز به اموال معلمش آسیب رسانده یا با او برخورد فیزیکی داشته است. برخی کارشناسان آموزشی معتقدند بروز رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی دانش‌آموزان در درجه اول به تربیت ناصحیح آنها توسط والدینشان برمی‌گردد.

محمد الهی که مدیر تعدادی مدرسه در مقطع متوسطه بوده، یکی از این کارشناسان است. او در گفت‌وگو با جام‌جم تأکید می‌کند بعضاً اولیای دانش‌آموزان، خودشان در دوران مدرسه طعم تلخ تحقیر، تمسخر یا تنبیه بدنی را بسیار چشیده‌اند و می‌خواهند انتقام رفتارهای ناشایست معلمانشان را از آموزگاران فرزندانشان بگیرند. این کارشناس آموزشی با استناد به تجربه‌های کاری خود، می‌گوید این حس انتقام‌جویی والدین، سبب می‌شود کودکانشان را طوری تربیت کنند که از معلم خود حرف‌شنوی نداشته باشند و به او پرخاش کنند.

به گفته الهی، در سال‌های اخیر مشکلات اقتصادی معلمان نیز در پایین آمدن شأن و احترام اجتماعی آنها اثرگذار بوده است و باعث شده وقتی والدین با آموزگاران مواجه می‌شوند، حرمت خاصی برای آنها قائل نباشند و به فرزندانشان طوری القا کنند که معلمان چون هیچ مهارتی ندارند، به این شغل روی آورده‌اند. او همچنین توضیح می‌دهد برخی اولیا به کودکانشان می‌آموزند که در مقابل معلمان نقطه ضعفی بروز ندهند و در برابر آنها حاضر جواب باشند. بنابراین براساس نظر این کارشناس آموزشی، بسیاری از خشونت‌های کلامی و رفتاری دانش‌آموزان، ناشی از تحریک آنها از سوی والدین ناآگاه است. از سوی دیگر، تنش‌های موجود در زندگی اجتماعی و خانوادگی برخی دانش‌آموزان نیز در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی آنان موثر است. در این زمینه می‌توان به مشکلات عاطفی، خشونت‌های کلامی، فیزیکی و طلاق در برخی خانواده‌ها اشاره کرد و گفت که این مسائل موجب سست شدن بنیان این خانواده‌ها و در نتیجه ایجاد تنش و اضطراب در کودکان آنها می‌شود. این کودکان هم که دائماً در حال تحمل ضربات روحی از سوی جامعه یا خانواده خود هستند، وقتی وارد مدرسه می‌شوند، دیگر تحمل رفتارهای خشن دیگران را ندارند و به محض بروز این رفتارها از سوی معلم یا همکلاسی‌هایشان همه خشم خود را بر سر آنها خالی می‌کنند.

تنبیه مقررات می‌خواهد

اعمال تنبیه بدنی و خشونت کلامی بر دانش‌آموزان به هر شکل و با هر بهانه‌ای پسندیده نیست و باید با آن مقابله کرد. اما رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان در محیط مدرسه و تحقیر و تمسخر معلم توسط آنان نیز تعرض به جایگاهی محسوب می‌شود که در آموزه‌های دینی مسلمانان، هم‌ردیف مقام پیامبران دانسته شده است. بنابراین مسئولان نظام آموزشی باید برای جلوگیری از وارد شدن آسیب‌های روحی و جسمی به کودکان و نوجوانان و شکسته شدن حرمت معلمان، تلاش کنند با اجرای برنامه‌های مدون، زمینه‌های بروز خشونت را در مدارس کاهش دهند.

ریشه‌یابی و تلاش برای رفع علل و انگیزه‌های بروز این خشونت‌ها از سوی دو طرف، بی‌تردید در کاهش آن موثر است. اما وضع قوانین و مقررات نیز به تنظیم روابط والدین و دانش‌آموزان با معلمان و دیگر کارکنان مدارس کمک می‌کند. البته برای این منظور، شورای عالی آموزش و پرورش در سال 79 آیین‌نامه اجرایی مدارس را تصویب کرده است.

با این حال، محمد الهی بزرگ‌ترین مشکل معلمان را در مواجهه با دانش‌آموزانی که مرتکب تخلف انضباطی می‌شوند، نبود ابزار قانونی جامع برای برخورد با آنها می‌داند و معتقد است این موضوع سبب می‌شود آموزگارانی که تسلطی روی رفتارهای خود ندارند، وقتی با بی‌اخلاقی یک دانش‌آموز مواجه می‌شوند، به اقدامات خشونت‌آمیز دست بزنند.

او تأکید می‌کند چون در آیین‌نامه اجرایی مدارس فقط به صورت اجمالی به بیان شیوه‌ها و مقررات

مربوط به تنبیه و تذکر پرداخته شده است، گاهی معلمان و مدیران مدارس از انجام برخورد مطابق آیین‌ها و نام‌ها با دانش‌آموزان و معلمان خطا کار عاجز می‌مانند. این کارشناس آموزشی توضیح می‌دهد، آیین‌ها و نام‌ها اجرایی مدارس مربوط به سال‌ها پیش بوده و بسیاری از موارد جدید در آن در نظر گرفته نشده است. الهی در این باره مثال می‌زند: زمانی که این آیین‌ها تصویب شد، هنوز درج نمرات دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به صورت توصیفی مرسوم نبود، اما در آیین‌ها و نام‌ها اجرایی مدارس به کسر از نمره انضباط برای مواجهه با تخلفات دانش‌آموزان اشاره شده است.

آیین‌ها و نام‌ها اجرایی مصوب سال 79 تنها مقررات رسمی است که در آن، انواع تخلفات در مدارس و راهکار برخورد با آنها تعریف شده است. در این آیین‌ها و نام‌ها پیشنهاد شده اگر راهنمایی‌ها و چاره‌جویی‌ها؛ و جهت اصلاح رفتار یک دانش‌آموز؛ آموزش بی‌انضباط موثر واقع نشد، مدرسه می‌تواند بعد از تشکیل جلسه شورای واحد آموزشی و بررسی موضوع، او را یک تا سه روز اخراج کند. اما به گفته الهی، اگر مدیر مدرسه به اخراج موقت دانش‌آموز متخلف خود اقدام کند، بازهم معمولاً اولیای دانش‌آموز به اداره آموزش و پرورش منطقه مراجعه و از آن مدیر شکایت می‌کنند. این کارشناس آموزشی تأکید می‌کند در این شرایط معمولاً کارشناسان آموزش و پرورش طرف والدین دانش‌آموز را می‌گیرند و مسئولان مدرسه را بابت محروم کردن دانش‌آموز از حق تحصیل بازخواست می‌کنند. الهی ادامه می‌دهد، این رفتار همکارانش در ادارات آموزش و پرورش سبب می‌شود هیچ ابزار قانونی و اجرایی محکمی برای برخورد با شاگردان خطا کار در دست معلمان و مدیران مدارس باقی نماند و دانش‌آموزان شرور ترغیب شوند به رفتارهای خارج از مقررات خود ادامه دهند. بنابراین اصلاح آیین‌ها و نام‌ها اجرایی مدارس و بازنویسی آن براساس شرایط کنونی جامعه، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در کاهش بروز خشونت در مدارس موثر باشد. این آیین‌ها و نام‌ها و سایر مقررات انضباطی مدارس باید به گونه‌ای تدوین شوند که در آن نحوه عکس‌العمل معلم، ناظم و مدیر مدرسه نسبت به جزئی‌ترین موارد تخلف و بی‌انضباطی دانش‌آموزان مشخص شود تا آنها بتوانند بدون اعمال خشونت، جلوی بی‌اخلاقی‌ها و برخی شاگردان خود را بگیرند.

محمدحسین خودکار